

کیمیان



درمکتب امام

مواظب باشید دوباره

گرفتار ابرقدرت‌ها نشوید!

امروز دنیا اعمال ما و شمار ازیر ذره‌بین گذاشته است تا ببیند چکار کم و چقدر توان مقابله با مشکلات ما داریم. امروز پدر پیر شما خمینی از تمامی شما کار گران و صنعتگران و متخصصان می‌خواهد که با تمام قدرت مواظب باشید که دوباره مردم ما گرفتار ابر قدرت‌ها و قدرت‌ها نشوند.

صحیفه امام؛ ۲۱ص؛ ۲۲۲ جماران؛ ۲۰ دی ۱۳۶۷

مقاله واروده

وقیح مثل آژانس

علیرضا معشوری*
پرونده‌سازی‌های پاپان‌ناپذیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران را نمی‌توان فقط یک روند اداری فنی با حقوقی دانست. این اقدامات، فراتر از یک رویکرد سیاسی به بخشی از راهبرد فشار ساختاری غرب علیه جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. از آغاز شکل‌گیری پرونده هسته‌ای ایران، آژانس هرگز به شفاف‌سازی‌های گسترده ایران اذعان نکرد و حاضر نشد برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را به رسمیت بشناسد. سکوت معنادار آژانس در برابر حادشدن نظامی آمریکا با اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران و عدم محکوم کردن آن، خود گویای این واقعیت است که این نهاد به‌رغم ماهوریت رسمی‌اش، در عمل نقش یک بازیگر سیاسی همسو با قدرت‌های غربی را ایفا کرده است. نهادهای کنی تحت محکوم کردن حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران به عنوان معضی از نPT ضروری ندانسته؛ نمی‌تواند مدعی بیطرفی باشد و وقیحانه از ایران بخواهد که به برجام و NPT پایبند بماند و اجازه ورود بازرسان(بنوادین جاسوسان) را به مراکز هسته‌ای بمباران شده بدهد. بر اساس همین رویکرد آژانس باید فهمید که چرا رابطه ایران و آژانس به چرخه‌ای تکراری از مطالبه آژانس، همکاری از طرف ایران و مطالبه‌ای جدیدتر از طرف آژانس تبدیل شده است.

تجربه ایران نشان می‌دهد که اعتماد به آژانس اشتباه بوده است. ایران در دوره‌های مختلف با ارائه داوطلبانه اسناد و اجازه دسترسی‌های فراتر از تعهدات و در نهایت پذیرش برجام، بارها حسن نیت خود را نشان داده است؛ اما این اعتمادسازی‌ها هرگز منجر به بسته شدن پرونده هسته‌ای نشد. همین شفاف‌سازی‌ها پهنای‌اش د برای طرح پرسش‌های جدید، گشودن مسیر پرونده‌سازی تازه و انتقال اطلاعات فنی و اسامی دانشمندان ایران به کشورهای خاصه، عملکرد آژانس در طول دو دهه گذشته ثابت کرده که هرگاه ایران امتیازی داده یا سطح همکاری را افزایش داده است، نتیجه‌اش بر خلاف انتظار کاهش فشار نبوده و به گسترش دامنه مطالبات آژانس و تصویب قطعنامه در شورای حکام علیه ایران منتهی شده است. یعنی از نظر آژانس طرفی که امتیاز می‌دهد، محکوم به تداوم امتیازدهی می‌شود، زیرا نبود بازدارندگی، آید از افزایش بی‌مسئله‌اش تشویق می‌کند.

اما همکاری گسترده ایران فشارهای سیاسی و تحریمی را کم نکرد و برعکس تسواعت جدیدی را ایجاد نمود. ایران با اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی، بازرسی‌های سرزده را پذیرفت، سطح غنی‌سازی را کاهش داد و ذخایر اورانیوم خود را محدود کرد. اما در مقابل آژانس و دولت‌های غربی هیچگاه تعهدات خود را به طور واقعی اجرا نکردند. این روند نشان می‌دهد زمان بازیگری در نوع تعامل ایران با آژانس و خروج از معاهده NPT افزا رسیده‌است. بازیگری به معنای تقلیل یا محاسبه نیست، این بازیگری به معنای تعریف رابطه‌ای واقع‌گرایانه، مشروط، متوازن و مبتنی بر اصل هزینه-فایده است. ایران باید بداند که حسن‌نیت نسبت به آژانس تلاش برای اعتمادسازی بی‌فایده است. اگرچه فشار به ایران خفید، خود اشد به واقعیت این است که پرونده هسته‌ای ایران دیگر فقط موضوعی فنی یا حتی سیاسی نیست و به ازومنی برای سنسچ میزان اعتمادی ایران بر خطوط قرمز ملی تبدیل شده است. هر مطالبه دیگری تبدیل به ابزار فشاری به عنوان خود اشد به واقعیت این است که پرونده هسته‌ای ایران دیگر فقط موضوعی فنی یا حتی سیاسی نیست و به ازومنی برای سنسچ میزان اعتمادی ایران بر خطوط قرمز ملی تبدیل شده است. هر مطالبه دیگری تبدیل به ابزار فشاری به عنوان خود اشد به

بخشی از نبرد بر سر حاکمیت ملی، استقلال تصمیم‌گیری و حق توسعه علمی است. کشورهای غربی می‌کشوند از مسیر حقوقی و نظارتی ایران به همان هدایا برسند که از طریق تحریم، تهدید و جنگ نتوانسته‌اند. آن دست باید اصفافی همچون محدود کردن تحریم، ایجاد حق، مهار قدرت بازدارندگی و کند کردن پیشرفت فناوری‌های راهبردی ایران، بنابراین بر عقب‌نشینی از خطوط قرمز، پیام ضعیف به طرف مقابل مخابره کرد و آنان را به برداشتن گام‌های خصمانه بعدی تشویق می‌کند. اما برعکس، ایستادگی و مقاومت، حق ایران را به عنوان کشوری مستقل و صاحب فناوری هسته‌ای تثبیت می‌کند.

ایران در تمام سال‌های گذشته با وجود فشار، تحریم و ترویش دانشمندان، همکاری خود را با آژانس ادامه داده است، زیرا باور دارد فشارهای صلح‌آمیز ایران و چیزی برای پنهان کردن ندارد. اما پاسخ آژانس افزایش خواسته‌ها، گزارش‌های سیاسی، تکرار ادعاهای اثبات‌نشده و حتی استناد به اطلاعات ادعای سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل بوده است. از این و مسئله آژانس باید یادان به پرونده ایران نیست و به دنبال مدیریت قدرت ایران در چارچوب ساختار نابرابر نظام بین‌الملل است. به عنوان مثال، ایران همسوا روایت آمریکا، کارنامه ادعای بیطرفی آژانس را زیر سؤال برد. است. در تمام این سال‌ها حتی گزارش‌های ایران درباره برنامه هسته‌ای ایران هیچ شائبه‌ی به کن گزارش تخصصی، فنی نداشته و بیشتر شبیه بیانه‌های سیاسی کاخ سفید و وزارت خارجه آمریکا بوده است. این همسویی تصادفی نیست؛ ساختار آامی، فشار سیاسی کشورهای غربی، انتخاب مدیرکل و ظرفیت رسانه‌ای غرب، آید از نهادهای تبدیل کرده است که برای بقا و ایمنی و منافع خود باید با قدرت‌های بزرگ همراهی کنند و در خدمت منافع و خواست آنها باشد. در چنین فضائی کشورهایمانند ایران که استقلال سیاسی دارند همیشه هدف نظارت مستخترانه‌ای و نگاه سیاسی قرار می‌گیرند. بنابراین انتظار بیطرفی از نهادهای که در ساختار قدرت جهانی تعریف شده واقع‌گرایانه نیست.

اکنون ایران باید الگوی جدیدی برای تعامل طراحی کند؛ زیرا همکاری نامحسود و بدون تضمین نه منطقی است و نه ممکن. در شرایطی که همکاری با آژانس و عضویت در معاهده NPT تاکنون هیچ دستاوردی چه در حوزه امنیتی یا در زمینه حمایت‌های علمی برای کشور نداشته و حتی آژانس حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران را محکوم نکرده است، ایران باید از این معاهده خارج شود. از طرفی باید روشن شود که امنیت تأسیسات هسته‌ای خط قرمز قطعی ایران است و هرگونه تهدید یا حمله نظامی، موضوعی قابل چشم‌پوشی نیست و نقض بنیادین حقوق بین‌الملل است.

تصمیم‌گیری درباره چگونگی تعامل با آژانس فقط یک تصمیم دیپلماتیک نیست، این بازیگری برای مدیریت فشار غرب، حفظ اقتدار و پیشبرد تلاش توسعه ملی در آینده ضروری است. ایران باید به جهان نشان دهد که همکاری‌اش داوطلبانه بوده و از روی صحنه با حاصل فشار آمریکا و غرب نیست. اما این پیام برای کارگذار است که ساختار تصمیم‌گیری داخلی منسجم باشد، خطوط قرمز به روشنی بیان شود و بر برابر هر زیاده‌خواهی، پاسخ‌ی قاطع و بدون تردید داده شود.

تصمیم‌عامل با آژانس ازومنی برای ایران اندر است. اما ایران می‌تواند اولتیمو خود با آژانس را از حالت انفعالی و واکنشی به تعلیمی مشروط، محترمانه اما مقتدرانه تبدیل کند؟ پاسخ این پرسش تعیین می‌شود که پرونده‌سازی‌ها علیه ایران چه دامنه می‌یابد یا متوقف می‌شود. تاریخ نشان داده تنها کشورهای که در دفاع از حق خود ایستادگی می‌کنند در نظام بین‌الملل محترم و مقتدر باقی می‌مانند. ایران نیز اگر می‌خواهد برنامه هسته‌ای‌اش پایدار بماند و در امنیت توسعه یابد، باید مسیر واقع‌گرایانه مقاومت فعال را به جای اعتمادسازی خوش‌بینانه برگزیند.

«دکتر یروابط بین‌الملل

خطیب جمعه شیراز:

با برگزاری جشنواره لباس در جشنواره فیلم فجر

لیاس انسان‌های بافضیلت را به عنوان نماد هنر و ایمان معرفی کنیم

شیراز- جمعه شیراز با بیان اینکه در روزگار ما، فاسدان و کفار با برنامه‌ریزی گسترده تلاش می‌کنند تا سبک زندگی ما را تغییر دهند، گفت: «از مدیران سیاسی، اجرائی، اجتماعی و فرهنگی باید بگویند به چه نیازی نیاز داریم و هر کس مسئول خودش است، نتیجه همین می‌شود که دشمن، سبک زندگی و پوشش ما را نفخ خود بپزند.»
خطیب جمعه شیراز با اشاره به وظیفه مدیران است که به مردم کمک کند تا لباس، رفتار و سبک زندگی آنان نظیم کنند که خیای متعال

ایران با فشار قطعنامه‌های جت‌دار از حقوق قانونی خود عقب‌نشینی نخواهد کرد

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، قطعنامه شورای حکام علیه کشورمان را ناشی از عدم استقلال آژانس بین‌المللی و دولت‌های غربی برشمرد و گفت: طرف‌های غربی بداندند که جمهوری اسلامی ایران با تشدید فشارها و قطعنامه‌های جت‌دار از حقوق قانونی و مسلم خود عقب‌نشینی نخواهد کرد.

شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در هفته گذشته، قطعنامه‌ای را به تصویب رساند که طبق آن، از جمهوری اسلامی ایران خواسته شد بدون تأخیر درباره وضعیت تأخیر اورانیوم غنی‌شده و سایت‌های هسته‌ای در خردادماه امسال موضوع رژیم صهیونیستی و آمریکا بمباران شدند، به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارشی ارائه دهد. این قطعنامه درحالی صادر شده است که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره تجاوز رژیم صهیونیستی و آمریکا به تأسیسات هسته‌ای کشورمان، تئور دانشمندان، فرماندهان نظامی و به شهادت رساندن

شهید شهرداری؛ دانشمند برجسته‌ای که دشمنان پیشرف ایران تاب دیدن او را نداشتند

سرویس سیاسی –

رژیم وحشی صهیونیستی با حمایت رژیم تروریست آمریکا با هدف توقف مسیر پیشرفت ایران، صبح هشتم آذرماه ۱۳۸۹ دست خود را به جنایتی دیگر اغشته و دکتر مجید شهرداری را در حالی که به همراه همسرش عازم محل کار خود در دانشگاه شهید بهشتی بودند، ترور کردند.

هشتم آذرماه ۱۳۸۹، بزرگراه ارتش محل وقوع جنایتی دیگر توسط دشمنان پیشرفت ایران شد. رژیم موقت صهیونیستی با حمایت رژیم تروریست آمریکا که تاب دیدن پیشرفت‌های ایران را نداشتند، از طریق عوامل خودفرخته خود، دکتر دانشمند فرانزه هسته‌ای، دکتر مجید شهرداری را در حضور همسرش و در حالی که به سمت دانشگاه شهید بهشتی در حرکت بودند، بر زمین ریختند و او را به شهادت رساندند. خبرگزاری امریکایی NBC فوریه ۲۰۱۲ به نقل از گریز گزاری امریکایی ۲۸۰۰ نفره ۲۰۱۲

یکی از فرماندهان ارتش ایران، که دست داشتن سرویس جاسوسی رژیم صهیونیستی در ترور دانشمندان هسته‌ای کشورمان اذعان کرد و نوشت که «اموران مוסاد، اعضای گروهک تروریستی منافقین را برای ترور افراد مشخصی آموزش می‌دهند و واشگنگن به طور کامل در جریان عملیات‌های حمرمانه وارد کرد.» همچنین خبرگزاری المانی اپلایپن گیزن در ۲۰۱۱ میلادی به نقل از منابع گاه‌فاش کرد، موتورسوارانی نوچه‌بین خبرگزاری فرانسه نوشت: «در حالی که چهار نفر به جسیاندن بمب مخفیاتیسی به اتومبیل افراد موردنظر اقدام به ترور می‌کنند، همگی به وسیله مוסاد آموزش دیده‌اند.

فیل جردلی، افسر سابق و یکی از بالاترین اطلاعات ارتش آمریکا نیز در یادداشتی در وبگاه خبری «آی‌آی سنتر» اذعان کرد در هشتم آذر ۱۳۸۹ سازمان‌های جاسوسی و اطلاعاتی آمریکا و رژیم صهیونیستی با همکاری گروهک منافقین اقدام به ترور «دانشمند شهرداری» دانشمند هسته‌ای ایران کردند. جردلی ترور شهرداری را اقدامی تنگین و شرم‌آور از طرف مוסاد جهت دخالت و صدمه زدن به برنامه تحقیقاتی و صلح‌آمیز هسته‌ای صهیونیست کرد و نوشت: شهرداری در میان چهار دانشمندی که بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ از سوی پروتست‌ها ترور شدند، برترین بود. شهید شهرداری در توسعه تحقیقات قدرت‌شناسی ایران پیش‌رو بوده و در جهان نیز به خاطر مهارتی که در فیزیک کوانتوم و جابه‌جایی نوترون داشت، شهرت یافته بود.

شهید فردین عباسی، رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی که او نیز در روز نخست جنگ ۱۲ روزه توسط رژیم اسرائیل به شهادت رسید، درباره شهرداری وادیت می‌کند: «جید شهرداری باصوات‌نبرد مرد هسته‌ای ایران، شاگرد آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر قرآن بوده است، من چند روز پیش از ترور ایشان که به اتفاق در دانشگاه رقم، با ندوق به من گفت که تفسیر یک سوره دیگر هم از طرف آیت‌الله جوادی آملی تمام شد. در بحث‌های علمی هم ایشان خیلی شاخص بود، یعنی واقعا بر علوم تسلط داشتند و در رشته‌های دیگر هم وارد می‌شدند. قدرت عجیب در جذب و گردآوری افراد با تخصص‌های مختلف برای پیشبرد پروژه‌های گوناگون داشت.

دکتر مجید شهرداری در سال ۱۳۴۵ به زنجان به دنیا آمد و متاهل و دارای دو فرزند به نام‌های محسن و زهرا بود. سوابق تحصیلی، آموزشی، پژوهشی و شغلی این شهید و الاقامت بدین شرح است:

سوابق تحصیلی

۱۳۶۲-۱۳۶۹: کارشناسی – الکترونیک دانشگاه امیرکبیر (با کسب نر۲)

۱۳۶۹-۱۳۷۱: کارشناسی‌ارشد – مهندسی هسته‌ای

عظمت نام «سپهبد شهید محمد بقری» در واژه‌ها نمی‌گنجد

تنگنای خاک، به وسعت ملکوت هجرت می‌کنند و در زمرة «حیاء بعد زهنم برزفون» جای می‌گیرند، کسانی که خداوند خود گواهی داده است که زنداند و نزد او روزی می‌خویند.

فرمانده فرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیاء (ص) به اشاره به جایگاه متعالی شهیدان و مقام والی که مریدان تصریح کرد: شهیدان به آن افسه است که هرگاه، بپایان نیمی‌نمید، بلکه پلی به حقیقت، معبری به وصال و راهی به سوی محبوب می‌داند و خون پاک خویش را بر بدنای دین، عزت و آرامش امت اسلامی تقدیم می‌کند.

سرلشکر عبداللّهی، شهید را باره‌ای از نور دانست و افزود: خوش‌آان که ناشان در قافله‌ای رقم می‌خورد که حضرت حق، آنان را نه فانی‌دیز، بلکه جاودانه و نورانی معرفی‌کرده است: در روزگار ما نیز، خدای متعال ستارگانی را بر آسمان انقلاب اسلامی افروخت؛ مردانی که قاضیان از جنیت‌بندی، شجاعت، حکمت و ولایت‌پذیری بود، و پروازشان از جنس نور و صفا بود.

وی در ادامه از بار و رفیق شفیق خود یاد کرد و گفت: در میان این ستارگان گرام «سردار سپهبد پاسدار شهید محمد باقری» به عنوان قله‌ای است که عظمتش در روزها‌نمی‌گنجد و شکوهش در متن تاریخ حک شده است. قله‌ای که هم قاضش بلند بود و هم روحش بلندپرواز.

فرمانده فرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیاء(ص)، با ادای احترام به شهیدای اقتدار ایران، اظهار داشت: چنانچه ما عروج ملکوتی فرماندهان بزرگ می‌دانستیم، درخواست می‌شود که حتماً از این تولیة‌نگدگان حمایت کنند و اداره کل رشاد هم کارگروه مد موفر شیرازی را راهاندازی کنند.

اخبار کشور

رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس:

ایران با فشار قطعنامه‌های جت‌دار از حقوق قانونی خود عقب‌نشینی نخواهد کرد

وی با تأکید بر اینکه سیاست‌های رفتاری جمهوری اسلامی ایران نسبت به طرف‌های مقابل در موضوع هسته‌ای تغییر کرده است، یادآور شد: جمهوری اسلامی ایران در جنگ ۱۲ روزه مورد حمله قرار گرفت و امنیت کشور تهدید شد که در چنین شرایطی قطعاً ما برخوردی قاطع، محکم و مبتنی بر استقلال ملی در برابر طرف مقابل خواهیم داشت.

فعالیت‌های هسته‌ای ایران
همیشه صلح‌آمیز بوده است

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه همه هسته‌ای‌های هسته‌ای ایران همیشه صلح‌آمیز و تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و مطابق با معاهده NPT انجام شده است، گفت: به‌رغم اینکه ایران همیشه با آژانس همکاری داشته است، ولی از سوی رژیم صهیونیستی و آمریکا مورد حمله قرار گرفت. اما طرف‌های غربی باید بداندند جمهوری اسلامی ایران با قطعنامه‌های جت‌دار آنها از حقوق قانونی و مسلم خود عقب‌نشینی نخواهد کرد و با قدرت بیشتری به

شهید شهرداری؛ دشمنان پیشرف ایران تاب دیدن او را نداشتند

خودروی من رفتم و به پسرم محسن هم گفتم؛ با ما بیاید اما گفت کلاس دانشگاه او ساعت ۱۰ صبح است و نباید. و این لطف خدا بود که نباید تا شاهد این حادثه تلخ شوم.

وی می‌افزاید: شهید شهرداری و راننده چلو نشستنند

و من هم عقب، برگ مطلق معمول که بیشترین استفاده از آن وقتش می‌کرد در ماشین شروع به کوشش کردن تفسیر قرآن آیت‌الله جوادی آملی کرد، حدود پانصد، شصصد متر در بزرگسراه ارتش رفته بودیم که یک موتوروی نزدیک ماشین شد و همین گریز راننده فریاد زد دکتر برو بیرون. شهید شهرداری پس از فریاد راننده گفت چی شده؟ من چون سریع بدانتم بلافاصله از ماشین پیاده شدم راننده هم گریه پیاده شد. در سمت دکتر را باز کمک تا دکتر سریع پیاده شود که همین حین بمب جلوی موتور من منجر شد. بیوهش نشدم، حرات اولیه انفجار را در صورت احساس می‌کردم. خواستم بروم که ماشین آمد اما نمی‌توانستم حرکت کنم و فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که

کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که

کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که

کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که

کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که

کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که

کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که

کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که

کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که

کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که

کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که

کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که

کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که

کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که

کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که

کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که کیم فقط می‌گفتم مجید. من راننده آمد بالای سر من به او گفتم برو مجید را کمک کن اما راننده که آمد بالای سر مجید، دیدم توی سر خود می‌زند. یک نگاه به من می‌کرد و یک نگاه به مجید دیدم کسی نبود کمک کرد خودم را کشتن نشان رساندم به هر دو کوروتور مجید می‌سروا می‌شد. بعد از راننده پیاده شدم و دیدم که

صفحه ۱۱

یکشنبه ۹ آذر ۱۴۰۴

۹ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷ – شماره ۱۷-۲۴

در پی سخنرانی تلویزیونی اخیر امام خاتمه‌ای (مدظله‌العالی) صورت گرفت
قدردانی رئیس سازمان بسیج از رهبر معظم انقلاب
رئیس سازمان بسیج مستضعفین در پی سخنرانی تلویزیونی اخیر رهبر معظم انقلاب اسلامی، پیامی را خطاب به معظله صادر کرد.

سردار غلامرضا سلیمانی، رئیس سازمان بسیج مستضعفین در پی سخنرانی تلویزیونی اخیر رهبر معظم انقلاب اسلامی پیامی را خطاب به معظله صادر کرد و ابراز داشت: به قول قوه الهی با پیوند عمیق و ناگسستنی با مردم و متعم بودن از چشمه‌سار زلال ولایت و تبعیت از فرامین مطاع امام عزیزمان پیش‌فراوان تحقق تمدن نوین اسلامی و زمینه‌ساز ظهور یگانه منجی عالم بشریت حضرت ولی‌عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشیم.

متن این پیام به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم
و آخری تَوبَتُها نَصْرٌ مِنْ